



بار آوری نسل فکور

گفت‌وگویی برخی از ناشران با رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

دبیر خانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد از من شنیده باشید که «ما به ناشران کتاب‌های آموزشی، به چشم رفقای خود نگاه می‌کنیم نه رقبای خود». البته ممکن است میزان رفاقت و همراهی برخی از آن‌ها نسبت به ما کمتر و برخی بیشتر باشد. اما در هر حال دوست داریم «دست در دست هم دهیم به مهر/ میهن خویش را کنیم آباد!»

گاهی البته برخی اهداف زودگذر و کوتاه‌مدت با اهداف بلندمدت آموزشی و تربیتی مشخص شده جابه‌جا می‌شوند. الان یکی از خبرنگاران از من سؤال می‌کرد که پذیرش استانداردهای شما موجب می‌شود ناشران خوب در تولید کتاب‌هایشان دچار زحمت بیشتری شوند و به عکس ناشرانی که نسبت به این استانداردها بی‌توجهی می‌کنند، محصولاتشان را با سهولت بیشتری عرضه نمایند.

من گفتم البته این بحث درستی است و مثال زدم که این کار شبیه به لباس دست‌دوز و سری‌دوز است. لباس دست‌دوز زحمتش زیاد است اما کاملاً متناسب با بدن فرد است و به تن فرد می‌نشیند؛ اما لباس سری‌دوز را ممکن است با کمترین زحمت، در چین تولید کرده باشند و فرستاده باشند این‌جا که معلوم نیست اجزایش مناسب اندام خریدار باشد یا نباشد. برخی سری‌دوزند. این مربوط به بازار پوشاک است. مستحضری که حوزه تعلیم و تربیت، نیازمند دقت و حساسیت و حوصله بالاست؛ جای خاتم کاری و میناگری است. ما انتظار داریم که بزرگان نشر

اشاره

در جریان دیدار حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، معاون محترم وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی از بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، وی برای دقایقی میهمان مدیر سالن ناشران آموزشی شد. در این دیدار که تنی چند از چهره‌های ناشران آموزشی در آن حضور داشتند، سخنانی بین میهمان و میزبانان محترم رد و بدل شد که با اندکی ویرایش در این گزارش آمده است. محمدیان در این نشست از ناشران خواست خودشان نقش فعال‌تری در نظارت بر انتشار کتاب‌های آموزشی بازی کنند و ناشران نیز خواستند پیرامون کتاب‌های آموزشی گفت‌وگوهای دقیق‌تری در سازمان صورت پذیرد و سخنان ناشران در این زمینه شنیده شود تا راه برای همدلی و همراهی بیشتر گشوده شود.

آموزش و پرورش متعلق به همه است

حجت‌الاسلام دکتر محمدیان:

آموزش و پرورش برای انجام مأموریت‌های خود نیازمند مشارکت و همراهی همه صاحب‌نظران و کسانی است که خدمت آموزشی ارائه می‌دهند. شاید این نکته را قبلاً هم در اختتامیه جشنواره



آموزشی - مانند همین انجمن فرهنگی ناشران آموزشی - مراقبت کنند که حرمت این حریم رعایت شود.

بچه‌ها را به فکر نکردن عادت ندهیم

سؤال‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ‌های آماده ممکن است مشتریانی در بین دانش‌آموزان و معلمان داشته باشد، اما در صورت عادت کردن به این شیوه‌ها، آینده کشور و آینده بچه‌هایی که حافظه‌محور و پخته‌خوار تربیت شده‌اند و نسلی که یاد نگرفته است فکر کند و مسئله‌هایش را حل کند، چه می‌شود؟ این پخته‌خواری در آموزش، سرایت می‌کند به پخته‌خواری در عالم سیاست و اقتصاد و تجارت. همه یاد گرفته‌اند دنبال غذای آماده بدون زحمت باشند؛ چون ما حل مسئله را به آن‌ها یاد ندادیم.

گاه در جلسه‌ای مسئله‌ای طرح می‌شود تا جمع تصمیم‌گیری کند. برخی به جای اظهار نظر کارشناسی، خودشان را با این جمله راحت می‌کنند که آقا اجازه بدهید ببینیم نظام چه می‌گوید! معنای این جملات آن است که ما تنبلیم و نمی‌خواهیم یا نمی‌توانیم نسبت به مسئله فکر و به وظیفه خود عمل کنیم؛ می‌خواهیم کسی حرفی بزند و تکلیف را از گردن خود برداریم. من می‌گویم آقا منظورتان از نظام، رهبر و رئیس‌جمهور است؟ خب تصمیم‌گیری در این کار که

وظیفه رهبر یا رئیس‌جمهور یا مسئولان بالادستی نیست. وظیفه من و شماست تا با فکر کردن و کار کارشناسی و در صورت نیاز، اجرای آزمایشی، تصمیم مناسب را اتخاذ کنیم و مسئولیت تصمیم خودمان را هم به‌عهده بگیریم. وقتی ما به وظیفه خودمان در موضوعی مثل آموزش زبان عمل نمی‌کنیم، طوری می‌شود که رهبری وارد میدان می‌شود و می‌فرماید: «آقا شما بیست و دو سال قبل (سال ۷۲) تصویب کردید و سال ۸۱ هم تکمیل کردید که برنامه آموزش زبان دوم، شامل پنج زبان باشد. بیست سال قبل تصویب کرده‌ایم، اما کسی کار نکرده که در هر یک از این زبان‌ها چه تعداد دانش‌آموز باید آموزش ببیند و چه تعداد معلم باید برای آن‌ها تربیت شود. هیچ کاری نکرده‌ایم» و حالا که رهبری صحبت کرده‌اند، مسئولیت را می‌اندازیم گردن رهبر و می‌گوییم آقا این طوری فرمودند. این روحیه از همین نکته‌های آموزشی به ظاهر کم‌اهمیت نشئت می‌گیرد.

اهداف تربیتی با افزایش مهارت تست‌زنی محقق نمی‌شود

نشر «الف» یا «ب» که باید فرایند یاددهی و یادگیری را تسهیل کند، عمق ببخشد، توسعه بدهد، مفاهیم مدنیت‌ساز و موج افکن را زیاد کند و به خلاقیت دانش‌آموز دامن بزند، می‌گوید شما لازم نیست زحمت بکشید و به پاسخ سؤال‌ها فکر کنید! این ده تا

سؤال مثلاً سؤال‌های درس اول دین و زندگی است و پاسخ‌هایش هم این است. پاسخ درس دوم مثلاً مطالعات اجتماعی هم این است. بعد هم انتظار داریم که از بین این دانش‌آموزان ابوعلی سینا بیرون بیاید! معلمی هم ممکن است به خاطر مشغله‌ها و گرفتاری‌هایی که دارد، شب قبل به جای آماده کردن طرح درس و مطالعه، همین کتاب را ورق بزند و همین‌ها را سر کلاس به شاگردانش بگوید. به عبارت دیگر سواد معلم و دانش‌آموز یکی است. چه کسی می‌تواند در این مسیر به آموزش و پرورش کمک کند؟ بخشی از طریق برنامه‌ریزی خود آموزش و پرورش محقق شدن است و بخشی با کمک شما ناشران. لذا در این زمینه حتماً دست نیاز به‌سوی شما دراز می‌کنیم و حتماً از شما می‌خواهیم که به میدان بیایید. شاید این رویکرد قدری از درآمد سالانه فلان مؤسسه بکاهد، اما به این ترتیب نسلی بارمی‌آید که هزینه‌های کشور را در عرصه‌های دیگر کم می‌کند.

زمانی که من در شورای عالی بودم، مسئولان یکی از مؤسسه‌های آموزشی آمدند پیش ما. می‌گفتند شما بچه‌ها را یک هفته در اختیار ما بگذارید تا ما چنان فنون و مهارت تست زدن را به آن‌ها آموزش بدهیم که همه در کنکور دارای رتبه‌های سه رقمی باشند. اما آیا واقعاً این سواد و دانش و تربیت است؟ آموزش مهارت تست زدن، آیا می‌تواند اهداف تربیتی طراحی شده برای دوره مثلاً متوسطه را محقق کند؟

البته اذعان باید کرد برخی سیاست‌های آموزش و پرورش هم به این فضا دامن می‌زند و تب کنکور را به پایه‌های پایین‌تر هم تسری می‌دهد؛ مثل برگزاری آزمون ورودی برای مدارس نمونه دولتی، استعدادهای درخشان و مانند این.

آموزش و پرورش متعلق به من نیست؛ متعلق به همه هست. شما هم بچه‌ها را دوست دارید و دلتان هم کمتر از من برای کشورتان و سرزمینتان نمی‌سوزد؛ مسلمان هم هستید. بیایید دست‌به‌دست هم بدهیم و خدمتی به این سرزمین و این بچه‌ها بکنیم و خدای ناکرده ناخواسته به آن‌ها ضرر نزنیم. اگر پیشنهادی دارید، من استفاده می‌کنم.

دیوار فاصله‌ها را فرو بریزیم

هامون سبیطی، مدیر نشر

دریافت (مدیر مسئول در انجمن فرهنگی ناشران آموزشی):

ناشران آموزشی کشور، حقیقتاً عیار بالایی دارند و از توانمندی‌های علمی و آموزشی زیادی برخوردارند و توانمندی آن‌ها منحصر به حوزه اقتصاد نیست.



سال گذشته ما شاید بیش از بیست نشست علمی تشکیل دادیم که در برخی از آن‌ها اتفاق‌های خوبی رخ داد. ما در این نشست‌ها با مؤلفان کتاب‌های درسی گفت‌وگو کردیم. امسال هم که سازمان پژوهش افتخار داده و غرفه‌اش را در کنار ما برپا کرده

انجمن فرهنگی ناشران - بر کار آن‌ها نظارت داشته باشد و در صورت نیاز تذکر لازم را به همکاران خود بدهد، کار خیلی بهتر می‌شود. واقعاً این کار چه جایی دارد که ناشری کتاب درسی را - که سه هزار تومان قیمت دارد - بدون هیچ تلاشی برای یادگیری بهتر، کپی کند و جلدی را روی آن بچسباند و با پاسخ‌های آماده، به قیمت بیست هزار تومان بفروشد و ادعا هم داشته باشد که کارش در مسیر توسعه فرهنگ است! من به این ناشر گفتم

مگر آموزش و پرورش خودش نمی‌تواند کتاب‌های درسی را به این شکل چاپ کند و در اختیار دانش‌آموزان بگذارد؟ ولی هدف ما این است که دانش‌آموز خودش با دست خودش و قلم خودش پاسخ‌ها را بنویسد؛ در این فضایی که همه چیز او را دور می‌کند از نوشتن، عادت کند به نوشتن.

و جالب این است که ناشر مذکور در صفحه اول کتاب نوشته است حق چاپ و نشر انحصاراً در اختیار ناشر است و اگر کسی کپی‌برداری کند چنین و چنان خواهد کرد!

با این ناشر، قبل از من، شما باید برخورد کنید. این موضوع را

و امکان دیگری برای تعامل بیشتر فراهم آورده است. نکته‌ای که من می‌خواهم بر آن انگشت بگذارم این است که هر صنف، از جمله ناشران کتاب‌های آموزشی، در واقع یک طیف است. ممکن است از بهترین ناشران که دغدغه آموزش و فرهنگ دارند، در این طیف حضور داشته باشند تا ناشرانی که شاید قدری جنبه اقتصادی کارشان پررنگ‌تر است. من فکر می‌کنم ناخواسته، روی آن بخش کمتر شایسته این صنف تمرکز صورت گرفته است و آن بخش از ناشرانی که کتاب‌های خوب تولید می‌کنند، که شما هم آن‌ها را به عنوان کتاب مناسب و برگزیده اعلام می‌کنید، کمتر مورد توجه قرار داشته است. و به نظر می‌رسد برای نزدیک شدن ناشران به آن سر شایسته‌تر طیف، نمی‌توان از نیروی قهریه بهره گرفت. ما باید هم‌فکری و همدلی بیشتری داشته باشیم تا این دیوار بین ما فرو بریزد.

ناشران بر کار ناشران نظارت کنند

حجت‌الاسلام دکتر محمدیان: به نظر ما بهتر است کار نظارت بر ناشران و کتاب‌های آموزشی، در وهله اول به دست خود ناشران انجام شود که هدف اولشان اغلب کار فرهنگی و در وهله بعد، اقتصادی است. اگر یک هیئت منصفه از خود ناشران - مثل همین

هامون سبطی: ناشران آموزشی کشور، حقیقتاً عیار بالایی دارند و از توانمندی‌های علمی و آموزشی زیادی برخوردارند و توانمندی آن‌ها منحصر به حوزه اقتصاد نیست



ناشران باسابقه‌تر باید به او تذکر بدهند که خلاف کرده است و نباید دیگر مرتکب چنین اشتباهی شود و برای ما هم بنویسند که ما به این موضوع رسیدگی کردیم و ناشر قول داده است دیگر اشتباهش را تکرار نکند تا من هم مجبور نباشم برای حفظ حقوق مادی و معنوی سازمان به دادگاه شکایت ببرم.

بعضی از این‌ها را خود شما باید مراقبت کنید. از این‌که کسانی

دغدغه آموزش دارند و سرمایه خود را در این حوزه وارد کرده‌اند که ما خیلی خوش حال می‌شویم و لذت می‌بریم. اما خود شما اجازه ندهید با چند کار بد، کارهای خوب شما زیر سؤال برود و آسیب ببیند.

ما مثلاً در درس مطالعات اجتماعی عمداً یک کاربرگ گذاشته‌ایم و به دانش‌آموز گفته‌ایم برو در مدرسه فلان موضوع را ببین و این‌جا بنویس. آقا یا خانم مؤلف آمده خودش فرضی این صفحه را پر کرده و چسبانده به کتاب. خوب پس این دانش‌آموز چه کاری باید بکند؟ این یک جور مسخره

کردن کار آموزش و پرورش است. شما حتماً کاربرگ تفکر و پژوهش ششم ابتدایی را دیده‌اید. ما به دانش‌آموز گفته‌ایم فلان فیلم را ببین و نظرت را بنویس. این آقا یا خانم رفته فیلم را دیده و با زبانی کودکانه چیزی درباره فیلم نوشته و گذاشته درون کتابش و به بچه‌ها گفته این مطلب را برای معلمت بنویس!

شما باید کاری کنید که بدون ورود ما، از صنف خودتان مراقبت کنید تا کسانی که دغدغه آموزش ندارند، فرصت طلبانه در صنف شما وارد نشوند. خودتان مراقبت کنید. شما تعبیر دیوار را به کار بردید؛ من بین خودمان و شما دیواری را نمی‌بینم.

دهقانی: اگر امکان نشست‌های مشترک فراهم شود، می‌توانیم پاسخ‌های خوبی را برای مشکلات و دغدغه‌هایی که دارید و البته گاهی به حق هم هست، از مسیر این گفت‌وگوها به دست آوریم

به نام آموزش آرام (slow education). شما می‌دانید در آسیای جنوب شرقی، استرس و فشاری که روی بچه‌ها هست، چند برابر کشور ماست. ژاپنی‌ها پس از چهار سال از اجرای طرح، سندی را منتشر کرده‌اند و در آن گفته‌اند ضربه‌ای را که ما با اجرای طرح آموزش آرام به اقتصاد و صنعت و توسعه ژاپن زدیم، شاید تا دهه‌ها نتوان جبران کرد. لایذ شما امکان اختلاف نظر را در این حوزه‌ها می‌دهید. ما در همین آموزش و پرورش موجود - که برآیند کار دولت و بخش خصوصی با سهم کمتر است - به زعم من از کشورهای منطقه جلوتریم. ممکن است ما در ورزش از ترکیه عقب‌تر باشیم، اما براساس گزارش سازمان ملل در آموزش از آن‌ها جلوتریم.

به نظر من دستاوردهای بخش خصوصی برای آموزش و پرورش، و منافع آن در حوزه آموزش، از ضررهای آن بیشتر بوده است. آمارهایی هم که دوستان درباره کیفیت کتاب‌ها می‌دهند نشان می‌دهد که روند کار به سمت بهبود است. جاهایی هم ممکن است نظرها متفاوت باشد. الحمدلله که شما هم نسبت به این مباحث علاقه‌مندی نشان می‌دهید. لطفاً این جلسات گفت‌وگو را برگزار فرمایید و حرف ناشران را هم بشنوید. شاید در بخش خصوصی هم دو تا حرف حساسی باشد. چه بسا این گفت‌وگوها و تعاملات موجب همدلی‌ها و همراهی‌های بیشتری شود. همه ما در یک مسیر حرکت می‌کنیم.

حجت‌الاسلام دکتر محمدیان: بسم‌الله. ما از جلسات مشترک استقبال می‌کنیم. شما بانی‌اش بشوید؛ ما هم در خدمت شما هستیم.

با نشست‌های مشترک ضعف‌ها را برطرف کنیم



دهقانی، مدیر انتشارات مبتکران: همین نمایشگاهی که در آن حضور داریم، دو سال است که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. حدود نصف کمیته‌های نمایشگاه در اختیار بخش خصوصی است. ما از دور چنین تصور

می‌کنیم که تنگ‌نظری‌هایی در آموزش و پرورش نسبت به فعالیت بخش خصوصی وجود دارد. ما مخالف این سخن شما هم نیستیم که نقص‌ها و ضعف‌هایی در حوزه آموزش، در این بخش وجود دارد که باید برطرف شود. خوب مگر در بخش دولتی و مدارس ما هیچ اشکالی وجود ندارد؟ من بارها عرض کرده‌ام بخش زیادی از همان کتاب‌هایی که شما آن‌ها را نامناسب می‌دانید، توسط مدیران و معلمان مدارس خریداری می‌شوند. بخش خصوصی ضعف دارد، اما قوت‌هایی هم دارد. همان‌طور که آقای قلم‌چی گفتند، واقعاً اگر امکان نشست‌های مشترک فراهم شود، می‌توانیم پاسخ‌های خوبی را برای مشکلات و دغدغه‌هایی که دارید و البته گاهی به حق هم هست، از مسیر این گفت‌وگوها به دست آوریم.

با گفت‌وگو همدلی و همراهی بیشتر می‌شود / ناشران هم حرف دارند

کاظم قلم‌چی، مدیر انتشارات کانون فرهنگی آموزش: خوش‌بختانه سال‌هاست جناب عالی رئیس سازمان پژوهش هستید و با مسائل هم به خوبی آشنا هستید. و باز هم خوش‌بختانه من تصور می‌کنم نگاه شما به



موضوع خیلی منطقی است. پیشنهاد من این است که چنین گفت‌وگوهایی چند جلسه‌ای ادامه پیدا کند. ما چند سال پیش هم یک بار جلسه مشابهی را برگزار کردیم، اما نتیجه لازم را نگرفتیم. عذر می‌خواهم که صریح عرض می‌کنم. می‌خواهیم شخص شما هم در این جلسات حضور داشته باشید.

استحضار دارید که مسائل آموزشی پیش از دانشگاه جزء چالش‌برانگیزترین مسائل دنیاست و محدود به کشور ما نیست. در کشور ژاپن نهضتی را در این چند سال اخیر به راه انداخته‌اند